

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۹۷-۱۶۱

نوع مقاله؛ مقاله پژوهشی

به‌منظور تأثیر بیشتر این‌گونه کمک‌ها بر قشرهای محروم، در بسیاری از موارد هیات آمریکایی اصل چهار، اصرار می‌کرد که مثلاً گندم‌های خوراکی یا بذر با بسته‌های مخصوصی با علامت آمریکایی بین روستاییان توزیع شود، تا مشخص گردد که اهدایی دولت آمریکا است، یا با نصب تابلویی در محل انجام پروژه‌های ساختمانی، همکاری دولت آمریکا نمایان‌تر شود (اسناد اصل ۴ ترومن، سند شماره ۱۷۵: ۸۴۴).

اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران^۱

مرتضی سالمی قمصری* ، سهراب یزدانی**

مرتضی فرهادی*** ، فرشاد مومنی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۳

چکیده

در این مقاله از منظر جامعه‌شناسی تاریخی به اصل چهار ترومن که در راستای مهار کمونیسم^۲ و کمک به سیطره جهانی آمریکا بود پرداخته شده است. هدف مقاله نقد اصل چهارم ترومن در ساختار جامعه ایران است. نظریه‌های توسعه در سه گروه وابستگی، نظام جهانی و نوسازی قابل دسته‌بندی هستند. در این میان نظریه پردازان نوسازی معتقد بودند که برای ایجاد رشد اقتصادی پایدار و خودجوش در جهان سوم، کشورهای جهان سوم باید مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن که کشورهای پیشرفته قبلاً تجربه کرده‌اند، را تجربه کنند، البته آنچه غرب می‌گوید

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله با عنوان بررسی انتقادی دیدگاه‌های موجود درباره کودتای ۲۸ مرداد می‌باشد.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.
saalemimr@gmail.com

** دانشیار تاریخ دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

*** استاد مردم شناسی توسعه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

**** استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲- بخشی از گزارش مارشال به این شرح است: "انتشار مرام کمونیسم مستقیماً خطر محسوب نمی‌شود، بلکه بحران اقتصادی که خود موجب بحران‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد کمک زیادی به انتشار و توسعه مرام کمونیسم می‌کند. به همین دلیل هر چه زودتر بایستی اقتصاد اروپا را به نحوی تقویت کرد تا بدین وسیله از اشاعه کمونیسم و خطر سقوط اروپا جلوگیری نمود" (اسناد اصل ۴ ترومن، سند شماره ۱۴۰/۱: ۶۳۵).

را انجام دهند، نه آن راهی را که غرب رفته و به توسعه رسیده است. از آنجاکه این پروژه بر مبنای توسعه از بالا و به عبارتی بر پایه نیازهای جامعه ایران نبود؛ نه تنها نتوانست به توسعه ایران کمک کند بلکه موانع عمیق ذهنی و عینی نیز بر سر راه توسعه ایران ایجاد کرد و ایران را از کشوری تولیدکننده، به کشوری مصرف‌کننده و وابسته به آمریکا تبدیل کرد و باعث شد که صادرات آمریکا به ایران ۲۰ برابر شود. البته نباید فراموش کرد که عدم وجود ظرفیت‌های داخلی نیز شرایط را برای موفقیت اهداف استعمارگرایانه اصل چهار ترومن مهیا نمود. اصل چهار در واقع نقابی زرین و انسان دوستانه بود که آمریکا به شیوه‌ای بسیار زیرکانه اهداف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود را زیر آن پنهان کرده بود.

واژه‌های کلیدی: ایران، اصل چهار ترومن، توسعه، نظریه نوسازی، کمونیسم، شوروی، آمریکا

طرح مسئله^۱

باوجود همکاری شوروی و آمریکا در جنگ جهانی دوم، اما پس از پایان یافتن جنگ بلافاصله این همکاری از سر ناچاری جای خود را به تقابل جدی دو ابرقدرت داد. پیروزی شوروی بر آلمان باعث شده بود که عقاید افراطی چپ در کشورهای اروپایی و آسیایی که در جنگ آسیب بسیار دیده بودند، طرفداران فراوان پیدا کند و پس از آن که هفت کشور اروپایی به پشت پرده آهنین رفتند عملاً مرزهای جهان کمونیست تا قلب اروپا پیش رفت. این ولع سیری‌ناپذیر شوروی در به زیر سلطه درآوردن سایر کشورها زنگ خطر جدی را برای آمریکا و بلوک غرب به صدا درآورد. در مقابل هدف اصلی آمریکا نیز این بود که شوروی نباید سهمی بیشتر از آنچه که در پایان جنگ به دست آورده بود، را بدست آورد.

جنگ جهانی دوم روابط اقتصادی و سیاسی کشورهای پیشرفته صنعتی را با کشورهای پس‌افتاده غیرصنعتی بر بنیاد دیگری جز استعمار آشکار بنا نهاد^۲. پس از این

۱- با سپاس ویژه از دوستان گرامی جناب آقای دکتر حسین محمدزاده و جناب آقای دکتر نیما شجاعی که نسخه‌های پیشین مقاله را خوانده و پیشنهادهای ارزنده‌ای را مطرح فرموده‌اند.

۲- البته استعمار مستقیم و آشکار و استعمار غیرمستقیم شیوه‌های گوناگونی دارند و محدود به دو شیوه نظامی و مالی نیستند. استعمارگران در هر کشور بر اساس اوضاع و احوال آن کشور و سطح آگاهی و توان آن کشور، شیوه خاصی را برگزیده‌اند.

جنگ نظام کهنه استعماری جای خود را به نظام دیگری داد که با نیازمندی‌های یک نوع دیگر امپریالیسم بیشتر توافق داشت. در واقع از یک سو تلاش ملت‌ها برای بهتر زیستن و از سوی دیگر هجوم اقتصاد غول‌آسای ایالات متحده آمریکا به بازارهای کار و مصرف و مواد اولیه‌ای که در حصار استعمار محصور شده بود، ایجاب می‌نمود که امپریالیسم‌های استعماری شیوه دیگری را برای حفظ منافع خود برگزینند که مانند شیوه آشکار استعمار، چشمگیر نباشد.

خطر اینجا بود که ایالات متحده آمریکا بدون آنکه از استعمار مالی سخنی بگوید علیه امپریالیسم‌های استعماری تبلیغ می‌نمود (بهار، ۱۳۴۴: ۱). چون کشور آمریکا تا این زمان سابقه استعماری چشمگیری نداشت، کشورهای جهان سوم ذهنیت مثبتی نسبت به آمریکا داشتند و آمریکا نیز با استفاده از این ذهنیت، سعی داشت که استعمارگران را از مستعمرات و نیمه مستعمرات بیرون رانده و با استفاده از شیوه سلطه اقتصادی، جایگزین آن‌ها شود. صادرات فراوان آمریکا به کشورهای اروپایی از سویی با فقر این کشورها و از سوی دیگر با بیم این کشورها از وابسته شدن به اقتصاد آمریکا روبرو شد. ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در نخستین سخنرانی خود در ژانویه ۱۹۴۹ نقش ایالات متحده را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در بازسازی و توسعه بین‌المللی تقویت کرد. او در محتوای سخنرانی خود گفت که فقر و سطوح پایین توسعه اقتصادی در دیگر بخش‌های جهان نه‌تنها برای مردمانی که در این شرایط زندگی می‌کنند، بلکه همچنین برای صلح و رونق ایالات متحده و دیگر کشورهای توسعه‌یافته‌تر اقتصادی زیان‌آور است (ویلیس، ۱۳۹۳: ۵۰). ترومن که موفق شده بود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۴۸ برای دومین بار به ریاست‌جمهوری آمریکا برسد، در نطق افتتاحیه خود در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹، مبانی جدید سیاست خارجی خود را شامل چهار اصل، بیان کرد که اصل چهارم آن بیش از بقی اصول شهرت یافت. اصل چهارم بر کمک‌های مالی و فنی آمریکا به کشورهای فقیر دلالت داشت.

وی در این اصل خطاب به مردم آمریکا گفت: ما باید اقدام جدیدی راجع به قابل‌دسترس کردن مزایای پیشرفت‌های علمی و صنعتی برای بهبود و رشد کشورهای در حال توسعه انجام دهیم. بیش از نیمی از مردم جهان در شرایط بدی به سر می‌برند. غذای آن‌ها کافی نیست و قربانی بیماری‌ها هستند. زندگی اقتصادی آن‌ها ابتدایی و راکد است. فقر یک مشکل است و همه بخصوص مناطق مرفه را تهدید می‌کند. برای اولین بار در تاریخ، بشر دانش و مهارت را در اختیار می‌گیرد تا به این مردم رنج‌کشیده کمک کند. آمریکا در میان کشورهای دیگر در پیشرفت‌های علمی، تکنیکی و صنعتی سرآمد است. منابع مادی که می‌توانیم در اختیار دیگر مردم برای استفاده و کمک بگذاریم محدود است، ولی منابع غیرقابل‌پیش‌بینی در دانش فنی که به‌طور دائم در حال رشد است، وجود دارد. من معتقدم، که ما باید برای مردم طرفدار صلح، شرایطی را فراهم کنیم که از گنجینه دانش فنی ما به‌منظور کمک برای تشخیص آرمان‌های خود برای بهبود زندگی بهتر بهره‌مند شوند... امپریالیسم قدیمی^۱ در برنامه‌های ما جایی ندارد؛ آنچه ما در نظر داریم یک برنامه توسعه بر اساس مفهوم عادلانه دموکراسی است (همراز، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۳).

آن‌گونه که از سخنان ترومن برمی‌آید برجسته‌ترین نکته‌های مورد نظر او صدور تکنولوژی و خدمات اقتصادی و فنی آمریکا، تامین بازار مناسب برای تولیدات عظیم

۱- سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به علت افزایش قدرت و ثروت آمریکا رویکرد تهاجمی‌تری به خود گرفت. در یک حالت کلی اصول سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم شامل موارد زیر بود: نخست: اصل ایجاد پانیک جهانی به‌منظور نگه‌داشتن جهان بر لب پرتگاه جنگ و بهره‌برداری اقتصادی از هراس ناشی از آن؛ دوم: اصل مداخله در امور ملت‌ها به بهانه مبارزه با کمونیسم؛ سوم: اصل فاسد کردن هیئت‌های حاکمه به‌منظور ممکن ساختن این مداخلات؛ چهارم: اصل تبلیغات دروغ منظم و حساب‌شده برای منحرف کردن افکار عمومی مردم آمریکا و مردم جهان توسط دستگاه عظیم تبلیغاتی‌ای که منحصرأ در اختیار تراست هاست؛ پنجم: اصل تمسک به اتهام کمونیستی برای برانداختن هر حکومت نامطلوب داخلی و خفه کردن جنبش‌های ناسیونالیستی و برقرار کردن اختناق عمومی؛ ششم: اصل بی‌توجهی به احساسات ملی و تحقیر خواست‌های مردم محلی و بالاخره شکست (بهار، ۱۳۴۴: ۱۱۸).

آمریکا، گسترش تجارت آزاد جهانی، افزایش رفاه اجتماعی و افزایش طبیعی قدرت خرید در کشورهای جهان سوم و... است. علاوه بر اهداف خارجی، یکی از مهم‌ترین اهداف از ارائه چنین طرح‌هایی را باید در مسائل داخل آمریکا جستجو کرد. زیرا ترومن هنگامی که اصل چهار را مطرح کرد از حمایت محافل تجاری داخل آمریکا برخوردار نبود، درحالی‌که پس از مدتی ثابت شد که طرح‌های ترومن تا چه اندازه برای تأمین خواسته‌های محافل تجاری آمریکا مفید است (همراز، ۱۳۸۱: ۳۴).

ایران کشوری دارای موقعیت ویژه جغرافیایی - سیاسی برای ایالات متحده آمریکا تلقی می‌شد که در همسایگی شوروی بود و در زمان جنگ، پل پیروزی نامیده می‌شد. سایه شوروی همواره بر سر ایران بود و اشغال آذربایجان طی جنگ جهانی دوم و همچنین سال پس از پایان آن، نشان از علاقه‌مندی شوروی به ایران و واردکردن آن به جرگه کشورهای اقماری‌اش بود، بر این اساس از نظر حاکمان آمریکایی، کشور ایران باید بیش‌ازپیش تقویت می‌گردید. به همین علت در پاییز سال ۱۳۲۷ دولت ایران به بهانه تأمین کمک‌های عمرانی، قراردادی را با دولت آمریکا به امضاء رساند که بعدها به اصل چهار در ایران مشهور شد.

در راستای اصل چهار ترومن، کارشناسان آمریکایی پس از ۴ ماه تحقیق به این نتیجه رسیدند که تخصیص یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک صادرات و واردات آمریکا می‌تواند برنامه هفت‌ساله عمرانی ایران را تأمین نماید. در ادامه با امضای قراردادی میان ایران و آمریکا هیأت‌های کارشناسی بیشتری برای بررسی اوضاع اقتصادی ایران از طرف آمریکا به تهران آمدند و اقدامات خود را در پی این سفرها و در چارچوب اصل ۴ ترومن در ایران آغاز کردند. با توجه به یک اصل مهم توسعه که بر اساس نیازهای یک جامعه شکل می‌گیرد هدف این تحقیق بررسی انتقادی شرایط اجتماعی - اقتصادی ایران و نیازهای ایران در زمان طرح اصل چهار و تناسب پروژه‌ها با این نیازها است؟

هدف اصلی این مقاله بررسی انتقادی برنامه‌های اصل چهار ترومن در ایران است و این‌که آیا هدف واقعی کمک‌ها، کمک به ایران بود یا کمک به سیطره جهانی آمریکا در جنبه‌های سیاسی و اقتصادی^۱. در واقع ایران کشوری است که در حدود یک قرن سابقه تلاش برای ورود به فرایند توسعه را در سر پرورانده است. اصل چهار نه طرحی با اصول توسعه از بالا (سطح ملی) بلکه توسعه از فرابالا (فراملی) و نه طرحی درون‌زا بود بلکه طرحی انشایی و برون‌زا به نظر می‌رسید. علاوه بر این، در حوزه‌های این چنین مهم و حیاتی تنها نه مقاله و یک کتاب در ایران چاپ شده است درحالی‌که این موضوع و تبعات سیاستی آن برای کشورمان بسیار گران تمام شده است و جای پژوهش بسیار دارد، به‌ویژه در شرایط کنونی که در تحریم به سر می‌بریم که مشابهت بسیاری با تحریم ایران از سوی انگلستان از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ دارد که نحوه عمل و کمک‌های اصل چهار به ایران در این دوره بسیار برای امروز جامعه‌مان مناسب خواهد داشت.

سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- ساختار اجتماعی ایران در هنگام اجرای اصل چهار ترومن در چه شرایطی بوده است؟
- ۲- پروژه‌های اصل چهار ترومن چقدر همسو با توانایی‌های و نیازهای جامعه ایران بوده است؟

پیشینه پژوهش

درباره موضوع مهمی چون اصل چهار ترومن، کار پژوهشی بسیار اندکی انجام شده است.

۱- موضوع اصلی پژوهش نگارنده بررسی انتقادی دیدگاه‌های موجود درباره کودتای ۲۸ مرداد بود که بر اساس مطالعات صورت گرفته به اهمیت اصل چهار و شیوه مواجهه آن با دولت ملی پی برده شد و لازم دیده شد که این موضوع برجسته‌تر شده و بصورت مقاله مستقل درآید.

- همراز (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان جامعه ایرانی و اصل چهار ترومن مطرح می‌کند که با آشکار شدن نشانه‌های همسویی آمریکا و انگلستان و تلاش مشترک برای به‌سازش کشاندن ایران در مسئله نفت، نغمه‌های مخالف با آمریکاییان در مناطق گوناگون بلند شد.

- همراز (۱۳۸۱) کتابی با عنوان بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن در ایران^۱ (هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران) به چاپ رسانده است. این کتاب چهارفصلی کالبدشکافی مناسبی از ماهیت و فرایند اصل چهار در ایران ارائه داده است. کمک‌های اصل چهار بر اساس نیازهای واقعی و بلندمدت ایران نبود در تصویب طرح‌ها فقط به تقاضاهای آنی دولت یا ساکنان یک منطقه توجه می‌شد و هیچ‌گونه دورنمایی از آینده در دست نبود. از طرف دیگر پیچیدگی سازمان اداری مالی مرکز هدایت‌کننده کمک‌های اصل چهار و نیز تغییرات مکرر در سیاست خارجی آمریکا که نتیجه تحولات سیاست جهانی بود، از کارایی اکثر طرح‌ها می‌کاست.

- مرکز اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۲) مجموعه‌ای دوجلدی با عنوان اسنادی از اصل چهار ترومن^۲ را به چاپ رسانده است. این کتاب مشتمل بر اسنادی در مورد اقدامات و عملکرد اداره همکاری‌های فنی و اقتصادی آمریکا در ایران در بازه زمانی ۱۳۲۵ شمسی تا ۱۳۴۶ شمسی است. این مجموعه مشتمل بر متن پیاده شده ۱۷۵ سند و توضیحات مربوط به هر سند می‌باشد. برخی از اسناد پیوست‌هایی دارند که در این کتاب بصورت زیرمجموعه سند اصلی قرار گرفته و شماره مجزایی دریافت نکرده‌اند. مثلاً سند ۱۵۲ دارای ۴ پیوست است که بصورت ۱/۱۵۲ تا ۴/۱۵۲ شماره‌گذاری شده‌اند.

۱- با شگفتی بسیار این اثر نخستین کتاب (۲۳۸ صفحه) چاپ‌شده درباره اصل چهار ترومن در ایران است که باوجود شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با گذشت ۱۸ سال از چاپ آن، هنوز به چاپ دوم نرسیده است.

۲- این کتاب دومین و آخرین کتاب چاپ‌شده درباره اصل چهار ترومن در ایران است که باوجود شمارگان ۲ هزار نسخه‌ای و نایاب شدن در بازار کتاب، هنوز به چاپ دوم نرسیده است.

- قرشی و جمیری (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان اصل چهار ترومن در ایران، به موضوعات اصل چهار ترومن و کمک ایالات متحده به ایران در راستای جلوگیری از نفوذ شوروی و کمونیسم در ایران؛ قراردادهای نظامی ایران و آمریکا در راستای اصل چهار و پرداخت‌های رشوه‌ای و دلالتان اسلحه و سرانجام مستشاران نظامی آمریکا در ایران پرداخته‌اند. این مقاله بیشتر به جنبه‌های سیاسی و نظامی اصل چهار پرداخته است.

- ساجدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان اصل چهار ترومن و گستره فعالیت آن در ایران، می‌نویسد که اگرچه آمریکا طرح‌های خود را در محور ایران بر مصالح خیرخواهانه بنا نهاده بود، این ظاهر قضیه بود، وگرنه آمریکا از همان ابتدا به منافع راهبردی خود در منطقه ایران می‌اندیشید و برای تحکیم نفوذ خود در ایران مترصد فرصت مناسب بود. آمریکا با پیاده کردن اصل چهار در ایران، در حقیقت دو سیاست عمده را دنبال می‌کرد: ۱- جلوگیری از سیل نفوذ کمونیسم و ۲- بالا بردن سطح زندگی مردم در جهت تأمین بازاری مطمئن برای محصولات خود و نیز استفاده از منابع نفتی و موقعیت راهبردی ایران در جهت منافع سیاست‌های آمریکا.

- اکبری و مسیح فر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به موضوع بحران بین ایران و شوروی و مسائل پس‌از آن می‌پردازند. در سال ۱۳۲۵ ه. ش درحالی‌که فقط مدت کوتاهی از پایان جنگ جهانی دوم می‌گذشت، بروز یک بحران سیاسی در ایران، دولت‌های شوروی و آمریکا، یعنی دو متحد دوران جنگ را رو در روی هم قرارداد. خطر نفوذ کمونیسم و نیز فعالیت حزب توده و دیگر گروه‌های مظنون به طرفداری از شوروی در ایران، آمریکایی‌ها را بر آن داشت تا با حمایت از ایران در مجامع بین‌المللی به مداخله دولت شوروی در ایران پایان دهند. پس از بحران آذربایجان، شاه تلاش نمود نقش آشکارتری در امور سیاسی ایفا کند و به دلایل مختلف از جمله علائق شخصی، به گسترش ارتش اقدام نمود. از این زمان گرایش شاه به اخذ وام و خرید اسلحه از آمریکا شروع شد و تا آخرین روزهای حکومت وی ادامه یافت.

- مهام (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران (معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن») مطرح می‌کند که از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی برون‌زا پیش از انقلاب اسلامی، نوع ارتباطات خارجی خصوصاً با ایالات متحده آمریکا بوده است. تأثیر این رابطه عمدتاً در حوزه‌های سیاسی و نظامی مدنظر قرار گرفته و از سایر حوزه‌های مهم و اساسی نظیر اقتصاد و فرهنگ غفلت شده است. مهام در این مقاله به بازخوانی انتقادی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن در ایران که در کتابی با همین نام انتشار یافته است، پرداخته است. کتاب بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن تنها اثر انتشار یافته در این زمینه است که کالبدشکافی مناسبی از ماهیت و فرایند اصل چهار در ایران ارائه داده اما به نتایج و تأثیرات پایدار این طراحی تغییر اجتماعی در ایران کمتر توجه داشته است. باین‌وجود می‌تواند در طراحی الگوی تغییرات اجتماعی در ایران به کار آید.

- رفیعی راد و محمدی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان مکتب نوسازی متقدم و ریشه‌های تاریخی بحران منابع آب‌های زیرزمینی در ایران: بررسی تاثیر و عملکرد اصل چهار ترومن، توضیح دادند که در درازنای تاریخ، ساکنان سرزمین نیمه‌خشک و کم باران ایران متناسب با وضعیت سرزمینی خود به شیوه‌های متفاوت به بهره‌برداری از منابع آب اقدام نموده‌اند. اما در سده اخیر با رواج الگوهای مکتب نوسازی، در شیوه‌های بهره‌برداری از منابع آب دگرگونی بنیادی به وجود آمده که این منابع را به‌طور چشمگیری دچار چالش نموده است. این مقاله برآمده از چنین نگاهی، حفر چاه‌های عمیق و ترویج آن را در یکی از اولین برنامه‌های گسترده نوسازی ایران - موسوم به اصل چهار ترومن (۱۳۲۷-۱۳۴۹) - بررسی می‌نماید. برآمده از یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: اصل چهار ترومن با استفاده از روش‌های مختلف آموزش و نهادسازی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در چهار مرحله (دوره‌های ترجیح رویکرد نوسازانه برای بهره‌برداری از منابع، عملیاتی نمودن برنامه‌ها، تغییر اولویت از اجرا به

نظارت و برنامه‌ریزی، دوره پس از اتمام قرارداد) بر تکوین و تشدید وضعیت بحرانی آب‌های زیرزمینی ایران مؤثر بوده است.

- فدایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تاثیر و عملکرد سینمای سیار آمریکا در ایران به این مسئله پرداخته است که دلایل حضور و تأثیر سینمای سیار آمریکا در ایران چه و چگونه بوده و با بهره‌گیری از اسناد و گزارش‌های موجود و از طریق روش توصیفی و تحلیلی نتیجه گرفته است که سینمای سیار آمریکا از طریق برنامه اصل چهار ترومن و به‌قصد جلوگیری از نفوذ کمونیسم و ایجاد کمربند محافظتی برای منافع آمریکا در منطقه، کار خود را در ایران آغاز کرده و از سویی به تدریج از طریق نمایش فیلم‌های آموزشی و تفریحی درصد تغییر نگرش‌ها و تبلیغ سبک زندگی آمریکایی بوده و از سوی دیگر، به‌واسطه فیلم‌های خبری و تبلیغاتی، ضمن تثبیت موقعیت حکومت موردحمایت خود، قصد تسلط دائمی بر ایران را داشته است.

- اسماعیلی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان تاثیر رویکرد برون نگر بر اقتصاد سیاسی دوره پهلوی دوم (بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰) به موضوع نزاع دو رویکرد در خصوص اداره اقتصاد کشور در تاریخ معاصر ایران پرداخته است. یک نگاه، راه برون‌رفت از مشکلات را در اتکای به قدرت‌های خارجی و استفاده از امکانات دول قدرتمند برای ارتقای اداره کشور می‌داند و جریان دیگر، ضمن لزوم بهره‌گیری معقول از تجارب بیگانگان، اتکای اصلی را به استفاده بهینه از توانمندی‌های داخلی و زمینه‌سازی برای رشد آن‌ها قرار می‌دهد. فضای عمومی سیاست‌گذاری از ابتدای پیدایی دغدغه پیشرفت در کشور ما، عمدتاً در اختیار دسته اول قرار داشته است. این مقاله، با بررسی نتایج حاکمیت تفکر برون‌نگر در اقتصاد سیاسی دوره پهلوی دوم، نشان می‌دهد که این نگاه چگونه منجر به عقب‌ماندگی و وابستگی بیشتر کشور شده است. بر اساس چنین رویکردی، تجربه اقتصادی اجرای اصل چهار ترومن، ضمن از بین بردن توان اقتصاد کشاورزی، عوارض سنگینی چون مهاجرت گسترده، حاشیه‌نشینی و وابستگی سیاسی رژیم پهلوی و در نهایت، سقوط آن را به دنبال داشت.

نگاهی به تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که هر یک از مقالات از زاویه‌ای خاص به مسئله نگاه کرده‌اند و تمرکز عمده‌شان بر کمک‌های آمریکا در حوزه‌های گوناگون به ایران بوده است. اما هدف اصلی این مقاله این بوده است که آیا بر اساس شرایط زیرساختی ایران، اصولاً کمک‌های آمریکا بر اساس نیازهای واقعی ایران صورت گرفته بوده و ادامه آن می‌توانسته به توسعه پایدار ایران کمک کند؟ یا این‌که این کمک‌ها در حوزه‌هایی صورت گرفته بوده که در یک نگاه کلی می‌توانسته از نفوذ کمونیسیم در ایران جلوگیری کند؟ یا این‌که این کمک‌ها می‌توانسته به بازسازی وجهه آمریکا در ایران یاری رساند؟

چارچوب نظری

بحث توسعه بحث مقایسه کشورهای جهان سوم با جهان اول است. توجه به مسائل و شرایط کشورهای عقب‌افتاده یا عقب نگاه داشته شده برای برون‌رفت از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب، قابل‌مقایسه با شرایط کشورهای توسعه‌یافته غربی است. نظریه‌های توسعه متمرکز بر متغیرهای داخلی و یا خارجی هستند که نقش موتور توسعه را دارا هستند. پژوهشگران علوم اجتماعی آمریکای لاتین در نیمه‌ها و اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی/۱۳۴۰ شمسی، به بسط نظریه توسعه‌نیافتگی پرداختند. در این نظریه از دیدگاه تجددگرایانه مسلط بر آمریکای شمالی آن روز نقد جانانه‌ای به عمل‌آمده بود (فوران، ۱۳۹۴: ۲۳).

از دیدگاه اقتصادی، نظام‌های وابسته است که انباشت و گسترش سرمایه نتواند عنصر پویای لازم و اساسی خود را در درون نظام بیابد. در این تعریف به یک نظام اقتصادی بین‌المللی اشاره می‌شود که در چارچوب آن ملت‌های مختلف، مواضعی را در سطوح کیفیتاً متفاوت قدرت و نفوذ اشغال می‌کنند. در مرکز، کشورهای صنعتی پیشرفته، بازیگران کلیدی تکنولوژی و مالی را کنترل می‌کنند و با این امتیاز،

بصورت‌های خاصی، صنعتی شدن مناطق حاشیه‌ای را شکل می‌دهند. تأکید می‌کنیم که توسعه در چنان شرایطی ناممکن نیست: رشد اقتصادی به آن‌گونه که از طریق افزایش دادوستد، ازدیاد تولید ناخالص ملی و صنعتی شدن اندازه‌گیری می‌شود ممکن است در مقطع زمانی معین در بعضی از کشورهای جهان سوم روی دهد. این دستاوردها معمولاً با پیامدهای منفی نظیر تورم، عدم اشتغال، مسائل بهداشتی، نارسایی آموزش و پرورش و کمبود مسکن و مانند این‌ها همراه می‌شوند. به همین جهت این‌گونه توسعه را "توسعه وابسته" می‌نامند که به معنای رشد درون محدوده‌ها، پیشرفت و رفاه اقلیتی از مردم جامعه و رنج و حرمان اکثریت می‌باشد (فوران، ۱۳۹۴: ۲۴).

مباحث نظری در توسعه معمولاً در چارچوب سه پارادایم نوسازی (دهه ۱۹۵۰)، وابستگی (دهه ۱۹۶۰) و سیستم نظام جهانی (دهه ۱۹۷۰) قرار می‌گیرند. هرچند سو معتقد است "که هر سه مکتب به سمت نوعی تقرب و همگرایی پیش می‌روند" (سو، ۱۳۷۸: ۲۲). هر پارادایم، راه‌حل خاص خود را برای توسعه کشورهای جهان سوم دارد.

الف- نظریه‌های نوسازی

دیدگاه نوسازی طیف وسیعی از نظرات را در برمی‌گیرد. متفکرین این دیدگاه "بر متغیرهای متعدد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دگرگونی در آنها تأکید دارند" (ستاری فر، ۱۳۷۴). بعضی مانند روستو بر متغیر اقتصادی برای نوسازی تأکید دارند. کسانی مثل دوپیچ و لرنر بر بسیج منابع انسانی متمرکز شده‌اند. شیلز بر فاکتور سیاسی برای توسعه سیاسی تأکید دارد و کسانی مثل لوسین پای و ارگانسکی متوجه عوارض و بحران‌های ناشی از توسعه شده‌اند. چنانچه گفته شد بحث نوسازی در یک چارچوب بین‌المللی و برای کشورهای جهان سوم به صورت برون‌زا مطرح شد. این بحث ابتدا از منابع سیاسی آمریکا و بعداً توسط بخشی از دانشگاهیان علوم اجتماعی آمریکایی، که غالباً از لحاظ نظری در چارچوب تئوری کارکردگرایی فعال بودند و بیش از بخش‌های دیگر خود را به دولت نزدیک می‌دیدند. با عنوان مدرنیزاسیون تئوریزه شد (مشایخی، ۱۳۷۷: ۱۸).

ب- نظریه وابستگی

نظریه وابستگی مطالعه توسعه کشورهای جهان سوم، بدون مطالعه نقش کشورهای توسعه‌یافته را انتزاعی می‌داند. ریشه نظریه وابستگی در اندیشه پل باران است اما این نظریه بیشتر با نام آندره گوندر فرانک شناخته شده است. آندره گوندر فرانک (۱۹۲۹-۲۰۰۵) یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان وابستگی است و علت توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم را در رابطه زنجیروار متروپل-اقمار (مرکز - پیرامون) پی‌جویی می‌کند. او معتقد است که باید علت توسعه‌یافتگی را در روابط ساختاری که در طول تحولات اقتصادی - اجتماعی بین کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته کنونی موجود است در نظر گرفت. از نظر گوندر فرانک مناسبات سرمایه‌داری بر وابستگی استوار است و این وابستگی نه رهایی‌بخش بلکه استثمارگرانه است (گوندر فرانک، ۱۳۵۹). دیدگاه وابستگی راه چاره کشورهای جهان سوم را در قطع رابطه با کشورهای مرکز می‌بیند. البته متفکرین دیدگاه "نو وابستگی" راه چاره توسعه را نه در قطع رابطه بلکه در همکاری سرمایه‌گذار داخلی، دولت ملی و کشورهای مرکز می‌بینند (حجاریان، ۱۳۷۴).

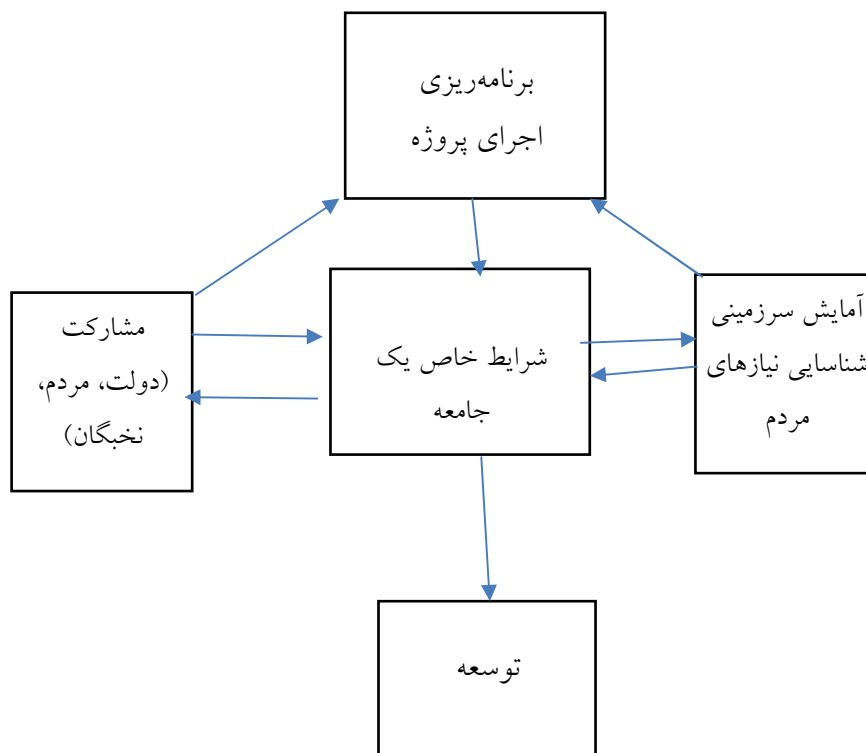
ج) نظریه نظام جهانی

از مهم‌ترین متفکرین این دیدگاه که در واقع قائل به یک تقسیم‌کار ناعادلانه در سطح جهانی هستند می‌توان از والراشتاین، سمیر امین و فرنان برودل نام برد. بر اساس این رویکرد نظام جهانی نوین از یک هسته مرکزی شامل دولت‌های قوی که بزرگ‌ترین سهم از مازاد اقتصاد بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهند؛ یک منطقه حاشیه‌ای از دولت‌های ضعیف که در حد بالایی مورد استثمار قرار می‌گیرند و یک منطقه نیمه حاشیه‌ای شامل

لایه‌هایی از دولت‌ها که از سوی هسته مرکزی مورد استثمار قرار می‌گیرند اما کشورهای مناطق حاشیه‌ای را استثمار می‌کنند، تشکیل می‌شود (فوران، ۱۳۹۴: ۲۵). تولید در کشورهای هسته مرکزی با مهارت بالا و با استفاده از سرمایه انجام می‌شود اما در بقیه کشورهای دنیا بیشتر با مهارت کم و با استفاده از نیروی کار انجام می‌شود و بیشتر به استخراج مواد خام محدود می‌شود. این حالت باعث تسلط کشورهای هسته مرکزی بر دیگر کشورها می‌شود. با این حال گسترش ارتباطات و حمل و نقل باعث پویایی این حالت شده و در طول زمان ممکن است موقعیت کشورها عوض شود. متفکرین دیدگاه سیستم نظام جهانی راه توسعه کشورهای جهان سوم "پیرامون" را در هم‌نوایی این کشورها با کشور جهان مرکز می‌بینند (عبداللهی، ۱۳۸۶).

با توجه به مباحث کلی در نظریه‌های مکاتب یاد شده و قضیه اصل چهار ترومن به نظر می‌رسد این مورد در ایران دارای پیچیدگی خاصی است. اولاً این درخواست نه از سوی ایران و بر اساس نیازهای کشور ایران بلکه بر اساس نظر و برنامه کشور آمریکا صورت گرفته است. همین مسئله باعث می‌شود ما زمینه تاریخی و اجتماعی و امکان توسعه در ایران را در نظر بگیریم اما در نهایت ممکن است از بُعد انتقادی به نظرات انتقادی دیدگاه‌های وابستگی که البته انتقادی است، برگردیم. با توجه به کیفی بودن موضوع تحقیق، در این تحقیقات نظریه‌ها آزمون نمی‌شوند بلکه راهنمای تحقیق‌اند. "در این دیدگاه نظریه‌ها بازنمایی‌های (درست یا غلط) از واقعیت موجود نیستند، بلکه روایت‌ها یا دیدگاه‌هایی هستند که جهان از طریق آنها مشاهده می‌شود" (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

مدل نظری تحقیق



روش‌شناسی (روش تحقیق)

روش این تحقیق تاریخی است. پژوهش تاریخی مجموعه شیوه‌های است که به محقق کمک می‌کند تا درباره صحت احتمالی رویدادی در گذشته نتیجه‌گیری نماید و این نتیجه‌گیری در موضوع‌ها و موادی که در حال حاضر برای مطالعه در دست است بازتاب می‌یابد (ازکیا؛ دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۳۸۱). مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک تاریخی با تأکید بر منابع و اسناد دست‌اول است. همچنین این تحقیق به وضعیت ساختاری کشور ایران در زمان اجرای طرح می‌پردازد تا شاخص‌های اجتماعی مثل میزان ارتباطات، میزان باسوادی، میزان شهرنشینی و میزان درآمد را مورد مذاقه قرار دهد که در

پیشبرد توسعه مؤثر هستند. تحقیق تاریخی با استفاده از اسناد و مدارک معتبر انجام می‌شود تا از این طریق بتوان ویژگی‌های عمومی و مشترک پدیده‌ها و حوادث تاریخی و دلایل بروز آن‌ها را تبیین کرد.

در این بررسی تاریخی داده‌های ثانوی مثل آمار مدنظر خواهند بود، تا زمینه‌های اجتماعی مسئله بیشتر مورد توجه قرار گیرند. یکی از دشواری‌های تحقیق تاریخی، عدم حضور محقق در صحنه واقعه است تا بتواند به‌طور زنده اطلاعات و مدارک مورد نیاز را گردآوری کند؛ در نتیجه، منبع عمده اطلاعات و داده‌های او اسناد، شواهد و مدارکی است که می‌تواند پیرامون مسئله تحقیق به آن‌ها دسترسی پیدا کند. همچنین در بخش آماری مقاله، خلاصه سرشماری سال ۱۳۳۵ جزو منابع اصلی این کار محسوب می‌شود. (به دلیل اهمیت آمارهای موجود درباره اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران مشروح آمارهای بدست آمده از سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ به‌جای طرح مختصر در بخش طرح مسئله بصورت تقریباً مفصل در بخش شرایط ساختاری ایران آمده است).

شرایط ساختاری ایران همزمان با اجرای اصل چهار ترومن در ایران

در این بخش و در راستای پاسخ به چگونگی ساختار اجتماعی در زمان اجرای اصل چهار به بعضی از شاخص‌های آماری که برگرفته از نتایج سرشماری ایران در سال ۱۳۳۵ است توجه خواهیم کرد. اهمیت این کار در این نکته نهفته است که همین شاخص‌ها تا حدی توانایی‌ها و نیازهای جامعه ایران را مشخص می‌سازند. اگر طرحی برای توسعه محلی یا ملی در کشور انجام گیرد بایستی بر پایه این منابع و نیازهای^۱ مردم کشور باشد.

۱- ایران در عصر پهلوی با توجه به عقب‌ماندگی اقتصادی در عصر قاجار و عدم پیدایش گروه‌های نوساز نیرومند، به راه اصلاحات از بالا افتاد و نتیجه سیاسی این اصلاحات از بالا پیدایش ساخت قدرت اقتدارطلب بود (بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۵).

نتایج اولین سرشماری ایران در سال ۱۳۳۵

جمعیت و سن:

در آبان ماه ۱۳۳۵ جمعیت کل ایران ۱۸/۹۵۴/۷۰۴ نفر بود. یکی از شاخص اجتماعی برای توسعه میزان شهرنشینی است. در این سال جمعیت شهرنشین ۵/۹۵۳/۵۶۳ نفر و جمعیت ده‌نشین ۱۳/۰۰۱/۱۴۱ نفر بود (سرشماری، ۱۳۳۵). به عبارتی در حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در روستا ساکن بوده‌اند. سن اغلب ساکنان شهر بیشتر از سن افراد همانند در نقاط ده‌نشین بوده (شهرنشین ۲۱ سال و ده‌نشین ۲۰ سال) و این تفاوت سن بین نقاط شهرنشین و ده‌نشین بدون شک تا حدی در اثر آب آشامیدنی سالم‌تر و بهداشت و وسایل طبی بهتری بود که در شهرهای بزرگ‌تر وجود داشته است (مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور).

سواد و تحصیلات:

میزان باسوادی جمعیت و از جمله زنان یک شاخص دیگر است. در این تاریخ در کلیه نقاط ایران نسبت مردان باسواد بطور قابل ملاحظه‌ای از زنان باسواد بیشتر بود. این برتری مشخص سواد مردان بر زنان در کلیه نقاط شهرنشین و ده‌نشین و نیز در تمام استان‌ها مشاهده می‌شد. همچنین در این تاریخ تنها ۱۲ درصد جمعیت کشور سواد خواندن و نوشتن داشته‌اند. "دوازده درصد از سکنه ده‌ساله به بالای کشور تا آبان ۱۳۳۵ یک یا چند سال تحصیل را طی کرده و دارای مدرک رسمی بوده‌اند. همان‌طوری که انتظار می‌رفت در نقاط شهرنشین این نسبت (۲۸ درصد) بیشتر از نقاط ده‌نشین (۴ درصد) بود. کم و کیف با شاخص‌های امروزی قابل‌سنجش نیست. آمار سال ۱۳۳۵ می‌گوید: نسبت افرادی که تحصیلات بیشتری داشتند عبارت بود از: ۱ درصد تحصیلات متوسطه را تمام کرده و ۰/۲ درصد نیز سه سال یا بیشتر از دوران دانشگاه را تکمیل نموده بودند نسبت‌های مشابه فوق در نقاط شهرنشین البته

قدری بیشتر بوده است (مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور).

جابجایی جمعیت:

از نظر میزان زیرساخت‌های ارتباطی و افزایش تعامل میان جامعه در آن تاریخ تعریفی نداشته است. هشتادونه درصد از سکنه کشور هرگز از شهرستان محل تولد خود خارج نشده بودند و چنانچه مسافرتی هم کرده بودند مجدداً به محل تولد خود مراجعت و هنگام سرشماری سال ۱۳۳۵ در آنجا اقامت داشتند. مابین ۱۱ درصد از بقیه کسانی که یک یا چند مرتبه پس از تولدشان از نقطه‌ای به نقطه دیگر رفت‌وآمد کرده بودند در آبان ماه سال ۱۳۳۵ در حدود چهار درصد در شهرستان‌های مجاور شهرستان محل تولد خود و ۷ درصد در شهرستان‌های دورتر زندگی می‌نمودند (مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور).

میزان اشتغال:

جمعاً در حدود ۶ میلیون نفر از سکنه ده‌ساله به بالای کشور اظهار کرده‌اند که به کارهای سودمند و انتفاعی اشتغال دارند. از این گروه شاغلین ۳۸ درصد مزدبگیر بوده و برای کارفرمایان غیردولتی کار می‌کردند و ۸ درصد مستخدم دولت و ۱ درصد کارفرما بودند که یک یا چند نفر کارگر در استخدام داشتند و ۴۱ درصد عهده‌دار انجام کار خود بودند بدون این‌که کارگری در استخدام داشته باشند و ۱۰ درصد هم کارگر خانوادگی بودند که بدون دریافت مزدی در کارگاه‌هایی که تعلق به خانواده خودشان داشت کار می‌کردند (مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور).

صنایع داخلی:

در این دوران صنایع کشور بر اساس مصالح و نیازهای کشور بود. مهم‌ترین این صنایع در کل کشور تهیه و تولید قالی - گلیم - زیلو و غیره و

پارچه‌بافی - ریسیدن و عمل آوردن نخ بود که توأمأ در حدود ۶۵ درصد از کلیه صنایع خانگی کشور محسوب می‌شدند. استان مرکزی از نقطه نظر تولیدات و صنعت پارچه‌بافی و ریسیدن و عمل آوردن نخ، استان گیلان از نظر پنبه و برنج پاک‌کنی، استان اصفهان از نظر تهیه و تولید مواد غذایی، یزد از نظر تولیدات و صنعت قالی‌بافی، منسوجات، کفش، روغن‌کشی و استان بلوچستان از نظر تهیه و تولید صابون و شمع در درجه اول اهمیت قرار داشتند (مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور).

وضعیت ساختمان و مسکن:

در این دوران وضع ساختمان‌ها هم بسیار ناجور بود. "تقریباً ۳۳ درصد از واحدهای مسکونی را ساختمان‌هایی که مصالح عمده آن از گل بوده تشکیل می‌دادند. این نسبت برای نقاط ده‌نشین ۴۲ درصد بود ولی در نقاط شهرنشین بزرگ‌ترین نسبت (۲۸ درصد) به ساختمان‌های خشتی تعلق داشت. در نواحی مختلف ایران در نوع مصالح عمده‌ای که در ساختمان واحدهای مسکونی بکار رفته بودند اختلافات قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شد. خانه‌های گلی قسمت اعظم واحدهای مسکونی استان آذربایجان غربی (۶۵ درصد) و استان آذربایجان شرقی (۶۲ درصد) و استان گیلان (۵۷ درصد) را تشکیل می‌داد و بناهای خشتی در استان اصفهان و یزد (۷۸ درصد) و در استان فارس و بنادر (۴۳ درصد) و در استان خراسان (۴۲ درصد) از کل واحدهای مسکونی هر استان بود. شصت و سه درصد از خانوارهای کشور مالک محل سکونت خود و ۲۰ درصد مستأجر بودند و ۱۷ درصد نیز مجاناً در محل سکونت خود اقامت داشتند (مرکز آمار ایران، خلاصه نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور).

نگاه کلی به آمار سال ۱۳۳۵

توجه به شاخص و آمارها نشان می‌دهد که جامعه ایران در آن زمان بیشتر روستایی، کم‌سواد و فاقد امکانات اولیه بهداشتی و درمانی، ارتباطات و راه‌های گسترده بوده و دارای ساختمان‌های گلی و فرسوده بوده است. در واقع اگر قرار بود طرحی علمی برای این مردم اجرا شود لازم بود که به این مسائل اولیه توجه شود، اما حال بینیم آمریکایی‌ها چه رؤیایی در سر داشتند و چگونه توسعه وابسته را به‌عنوان توسعه واقعی جا می‌زدند. اکنون که به ساختار اجتماعی ایران توجه کردیم می‌بینیم که هیچ‌کدام از فاکتورهای پیشبرد اهداف توسعه در آن نهفته نیست. اکنون می‌خواهیم بینم ریشه‌های سیاسی اصل چهار ترومن در آمریکا چگونه بوده و چه سان در ایران اجرا شده است. در نهایت می‌توان نتایج را از حاصل شرایط داخلی و طرح فراملی خارجی حاصل نمود.

یافته‌ها

- کمک‌های اقتصادی و ترویج کشاورزی، امور بهداشتی اجرای اصل چهار در ایران در سال ۱۳۲۷ با تصویب قانون برنامه اول عمرانی کشور هم‌زمان گردید. آمریکایی‌ها ابتدا با تصویب کنگره، اعتباراتی را برای کمک به ایران اختصاص دادند و برای بررسی برنامه عمرانی کشور نیز مستشارانی را اعزام کردند. یکی از اهداف اصل چهار ترومن در ایران، تغییر الگوی کشاورزی از حالت سنتی به مدرن بود که در تبصره چهار قانون برنامه اول نیز دولت به اجرای آن مکلف شده بود. البته این تأکید به دلیل توصیه سازمان‌های مختلف آمریکایی نیز بود.

آمریکا به‌خوبی می‌دانست که زیربنای توسعه یک کشور قدرتمند در برابر کمونیسم، به وجود مردم قدرتمند بستگی دارد و این امر نیازمند تغییر شیوه‌های سنتی زندگی مردم به‌خصوص در روستاها و مناطق کشاورزی بود. از این‌رو، در بخش

کشاورزی، توجه به تغییر و بهبود ابزارآلات کشاورزی برای افزایش تولید و بهبود معیشت مردمی که در مناطق روستایی به سر می‌بردند، متمرکز گردید. بر این اساس، شیوه‌ها و ابزارآلات کشاورزی از حالت قدیمی و سنتی تغییر یافت و در عوض شیوه‌های جدید جایگزین آن شد. با آغاز این فعالیت‌ها، «کمیسیون مشترک ایران و آمریکا برای بهبود امور روستایی تشکیل شد» (ملکوتیان، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

- آمریکا در اولین اقدام، مبادرت به تربیت نیروهای آموزش‌دیده کرد و اعتباراتی را نیز در زمینه آموزش نیروهای تحصیل‌کرده اختصاص داد. از این رو، تدریجاً مراکز تربیتی و آموزشی در تمام کشور برپا شد؛ به طوری که «در پنج سال، حدود نود هزار نفر توسط اداره اصل چهار تربیت شدند... و تا پایان دهه سی نزدیک به چهارصد مدرسه در سراسر ایران با کمک مالی اصل چهار و وزارت آموزش و پرورش راه‌اندازی شد».

- از این پس، توجه به برنامه‌های اقتصادی و کشاورزی شروع شد. در اولین گام نیز حصول به این اهداف، مستلزم تخصیص اعتبارات مالی بود. بر این اساس، قرار شد تا با مذاکراتی که دولت ساعد انجام داده بود، مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار وام به ایران تخصیص داده شود که دولت آمریکا فقط با پرداخت ۵۰۰ هزار دلار به عنوان کمک فنی اصل چهار به ایران موافقت کرد (قرشی و جمیری، ۱۳۸۷: ۸۱). مقدار زیادی از وسایل کشاورزی که با پول دولت آمریکا خریداری شده بود، مورد استفاده قرار نگرفته و ضمناً معایبی در قسمت نگاهداری اموال دیده شد، میسیون اصل چهار و صندوق مشترک اصلی دارای مقدار زیادی ماشین‌آلات کشاورزی در شهرستان‌ها بود که مورد استفاده قرار نگرفته بودند. بعضی از این ماشین‌آلات در حوزه مربوطه قابل استفاده نبود یا این‌که نبود متخصصین لازم، مانع از این شده بود که از این وسایل استفاده شود. ضمناً در موقع خرید این وسایل از آمریکا نسبت به موجود بودن وسایل تعمیر در ایران دقت کافی نشده بود و به واسطه نبودن صورت‌های ریز و کامل این ماشین‌آلات، میسیون موفق نشده است که تصمیم مقتضی جهت استفاده از وسایلی که بی‌مصرف مانده بود، را بگیرد.

- هیئت اصل چهار علاوه بر کمک‌های کشاورزی و آموزشی، فعالیت‌هایی را در زمینه بهداشتی و نظامی نیز انجام داد. در بخش بهداشتی، این برنامه شامل اقداماتی نظیر مبارزه با بیماری‌هایی چون وبا و مالاریا، بهداشت عمومی، تأمین آب بهداشتی و... به‌خصوص در روستاها بود. بنابراین، جهت‌گیری اصلی، تغییر مبنایی سازمان‌های بومی در صورت امکان و در غیر این صورت انهدام آن‌ها بوده است. وقتی «عمده‌ترین مراکز فعالیت اصل چهار روستاها بوده‌اند.» باید پرسیم فرهنگ روستایی^۱ در بلندمدت چه وضعیتی پیدا کرد؟ آیا همچنان فرهنگ کار و تولید و یاریگری را زنده نگه داشته است؟ زیرا «حفظ روستا بدون فرهنگ روستایی بسیار دشوار خواهد بود» (مهام، ۱۳۹۲).

- حجم صادرات آمریکا به ایران به ۲۰ برابر صادرات ایران به آمریکا رسید، این در حالی بود که بسیاری از کالاهای صادراتی آن کشور به ایران جزو مواردی بود که نمونه آن در ایران نیز تولید می‌شد. ورود این کالاها بسیاری از کارگاه‌های ایران را با ورشکستگی و بحران روبرو کرد و سبب ترویج بیکاری، بحران مالی و فقر در کشور شد. این در حالی بود که آمریکایی‌ها به‌ویژه در سال‌های دهه ۱۳۳۰، بخش اعظم کمک‌های خود را به ایران منوط به رضایت انگلیسی‌ها کرده و خسارات بریتانیا در نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران را نیز همواره در نظر می‌گرفتند.

- درحالی‌که در هیچ‌کدام از نظریه‌ها به نقش نیروی نظامی در توسعه اشاره نشده است بخشی از پروژه‌های اصل چهار به امور نظامی اختصاص یافته بود. در بخش نظامی نیز اقدامات اصل چهار، مشمول کمک‌های مالی برای تجهیز نیروی نظامی بود. ایران از نظر جغرافیایی در موقعیت استراتژیک قرار داشت و آمریکایی‌ها به‌خوبی واقف بودند که اگر «ایران به دست کمونیست‌ها بیفتد، تمام منافع اقتصادی و سیاسی غرب در

۱- هدف‌گیری اصل چهار بر روستاها به‌عنوان کانون‌های «کار» و «تولید» و «همکاری» بود و توسعه را در چارچوب «مصرف» به‌عنوان هنجار اجتماعی و «رفاه» به‌مثابه ایدئولوژی سیاسی تعریف می‌کرد. در این مدل توسعه، کانون‌های مولد می‌بایست به کانون‌های مصرف تبدیل شوند و شهرهای مصرفی نماد توسعه‌یافتگی محسوب می‌گردند (مهام، ۱۳۹۶). «در طی دو دهه قبل از انقلاب اسلامی، چهار و نیم میلیون به نان‌آوران جامعه ما و ده میلیون به مصرف‌کنندگان کشور اضافه‌شده است (فرهادی، ۱۳۹۰: ۱۶).

منطقه در معرض خطر شوروی قرار خواهد گرفت» (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). بنابراین تقویت بنیه نظامی کشور با هدف تأمین امنیت داخلی برای مقابله با نفوذ کمونیسم، اصلی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. «در همین زمان، اولین قراردادهای نظامی بین ایران و آمریکا منعقد شد» و در سال ۱۳۲۶ دولت هژیر افزایش بودجه ارتش از ۱۰ میلیون دلار به ۱۶ میلیون دلار را در دستور کار خود قرار داد (قرشی و جمیری، ۱۳۸۷: ۸۵).

بررسی انتقادی عملکرد اصل چهار ترومن در ایران

۱- در بُعد سیاسی اصل چهار می‌توان گفت که دکترین ترومن تنها در راستای سیاست خارجی آمریکا، یعنی مقابله با نفوذ کمونیسم شکل گرفت و نه کمک واقعی به کشورهای فقیر، زیرا بسیاری از طرح‌ها، ضمن عجزلانه بودن، متناسب با شرایط بومی و فرهنگی کشور نبودند. البته جلوگیری از نفوذ کمونیسم شعاری بود که بسیاری از مردم آمریکا آن را باور کرده و به‌مثابه رسالت خود در سنت بشردوستانه و دموکراسی آمریکایی تلقی می‌کردند. البته در آن زمان معنایی از کمونیسم^۱ مدنظر دولت ایالات متحده بود که با معنای واقعی آن کاملاً متفاوت بود.

۲- در رابطه با حوزه کشاورزی نیز اصل چهار چندان مفید واقع نگردید، زیرا ساختار کشاورزی ایران با مشکلات سنتی نظیر مالکیت خصوصی و نظام ارباب‌ورعیتی

۱- کمونیسم از نظر انحصارات آمریکا معنایی و رای معنای تاریخی و اقتصاد سیاسی و فلسفی واقعی آن دارد. هر جا که منافع تجارتي تراست‌ها به خطر افتد، کمونیسم از همان‌جا شروع می‌شود و این طرز تفکر بلایی برای ناسیونالیسم ملت‌ها شده است. چون به‌زعم آمریکایی‌ها، از همان‌جایی که مرز ناسیونالیسم و مبارزه با تسلط اقتصادی آن‌ها به‌منظور ایجاد استقلال اقتصادی و سیاسی آغاز می‌کند، از همان‌جا مرز کمونیسم شروع می‌شود. به همین طریق و تحت ضربه همین اتهام است که مأموران آمریکا، در کشورهای صنعتی نشده جهان، ایجاد اختناق می‌کنند و زبان همه را می‌بندند و در تحت همین فشار است که ناسیونالیسم را با کمونیسم می‌پیوندند و نهضت‌های کمونیستی را تقویت می‌کنند (بهار، ۱۳۴۴: ۹۱).

مواجه بود. از این رو، اصلاحات در این زمینه، مبارزه با نظام مالکیت خصوصی و ارباب‌ورعیتی را می‌طلبید که خود کاری بس دشوار و زمان‌بر بود. همچنین از ابتدای طرح، قرار بر این بود که فعالیت‌های مربوطه با مشارکت روستاییان و افراد بومی انجام شود، اما در موارد بسیاری، کارشناسان آمریکایی استخدام، یا اعزام می‌شدند.

گروه‌های کشاورزی اصل چهار اصرار داشتند کارشناسانی به ایران اعزام شوند که با شیوه استفاده کلیه ماشین‌آلات کشاورزی-تعمیرات و بهره‌برداری از آن‌ها آشنا باشند و ضمناً فقط از کشور آمریکا انتخاب شوند و از نیروهای داوطلب سایر کشورها استفاده نشود. ۷۶ طرح ترویج کشاورزی ایران دقیقاً از آمریکا اقتباس شده بود درحالی‌که زمینه‌ای برای پذیرش و اجرای کامل آن‌ها در ایران وجود نداشت. جامعه میزبان این طرح‌ها به‌هیچ عنوان شرایط و آمادگی پذیرش و عملیاتی کردن این طرح‌ها را نداشت.

فعالیت‌های کشاورزی اصل چهار چنان پراکنده بود که نتوانست هیچ‌گونه تغییری در ساختار روبه‌زوال کشاورزی ایران در دهه‌های ۴۰-۱۳۳۰ بوجود آورد و آموزش‌های کشاورزی درحالی‌که مشکلات دیرپای و سنتی کشاورزی ایران چون روابط مالک و زارع و کمبود دام و عدم حمایت دولت در سال‌های کم محصولی و... پابرجا بود، ثمری نداشت. بطور کلی برنامه‌ریزی طرح‌ها شتاب‌زده و اجرای آن سریع‌تر بود و مجالی برای بررسی نتایج درازمدت نبود، نکته بسیار زیرکانه پنهان در اصل چهار تبدیل جمعیت‌های تولیدکننده کشورها (روستاییان) به جمعیت‌های مصرف‌کننده بود که برای کشورهای درگیر، وابستگی پایدار و برای آمریکا، سود سرشار و پایدار را به همراه داشت؛ که البته نباید از منافع همسودان^۱ آمریکا در کشورهای درگیر غفلت شود.

۲- این واژه را از دکتر مرتضی فرهادی در کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟ به عاریت گرفته‌ام که به معنای شرکای داخلی در لباس دوست استعمارگران و امپریالیسم اشاره دارد. فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۷) صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن، تهران دانشگاه علامه طباطبائی.

۳- در بُعد اقتصادی نیز کمک‌ها متناسب با وضعیت اقتصادی کشور نبود و از آنجاکه پول بدون حساب به اقتصاد تزریق می‌گردید، منجر به برهم خوردن تعادل اقتصادی می‌شد. توسعه اجتماعی - اقتصادی بیشتر به واسطه درآمدهای روزافزون نفت عملی شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۵). به عبارتی بسیاری از تصمیمات سرمایه‌گذاری و تجاری بدون برنامه‌ریزی اتخاذ می‌شد و بر اساس تحلیل هزینه-فایده صورت نمی‌گرفت. شاه در حوزه اقتصادی - اجتماعی نوسازی کرد و در نتیجه طبقه متوسط جدید و طبقه کارگر صنعتی را گسترش داد اما نتوانست در حوزه دیگر - سیاسی - نوسازی کند و این ناتوانی حلقه‌های پیونددهنده حکومت و ساختار اجتماعی را فرسوده کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۴). در نهایت نیز بسیاری از این «تلاش‌ها به بی‌نظمی و سوءاستفاده مالی از بودجه در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ شمسی) ختم شد. علاوه بر این، تزریق ناگهانی دلارها و مستشاران آمریکایی به جامعه ایران، که پس از سرنگونی دولت مصدق و امضای قرارداد کنسرسیوم ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ شمسی) صورت گرفت، آشکارا موجب انحراف بسیاری از ایرانی‌ها شد» (رینولدز ولف، ۱۳۹۲: ۲۸).

بنیاد راکفلر در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷ شمسی) در گزارشی اعلام کرد که "جنگ سرد نتیجه ملاحظات اقتصادی است" و غرب نیازمند کشف تمام وسایلی است که از فروپاشی اقتصادی در بسیاری از مناطق آزاد جهان جلوگیری کند. در این گزارش به طبیعت وابسته اقتصاد جهان سوم اشاره شده بود زیرا پس از جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با گرایش بسیاری از کشورهای جهان سوم به برنامه‌ریزی اقتصادی برای توسعه، آشکار شده بود که آن‌ها به صادرات فراورده‌های اولیه - مواد خام و کالاهای کشاورزی نیازمندند. رأی بر این بود که با توجه به نیاز دوسویه به این تولیدات باید با سیاست‌های حمایتی گوناگون و ازدیاد وام و سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان سوم، میزان تولید محصولات کشاورزی و مواد خام را در آن‌ها افزایش داد؛ زیرا به این طریق کشورهای جهان سوم از فروش آن‌ها ارز بیشتری بدست می‌آورند و کشورهای توسعه‌یافته هم از طریق واردکردن مواد اولیه نیازهای کارخانه‌ها و صنایع خود را

برآورده می‌ساختند. زیرا مسئله فوری آن است که یک میلیارد مردم کشورهای توسعه‌نیافته را به بالا بردن تولید و مصرف وادار کنیم و به حفظ و ازدیاد رشد مناطق صنعتی جهان هم ادامه دهیم، زیرا این دو مسئله با یکدیگر رابطه تنگاتنگ دارند (همراز، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

۴- در بُعد اصل چهار و مجادله نفتی بین ایران و انگلستان، آمریکا از گسترش ایده‌ای که به ملی کردن صنعت نفت منجر شده بود نگران بود و می‌ترسید که منافع دولت‌های بزرگ غربی در دیگر کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر وقایع ایران به خطر بیفتد. باید گفت که تلاش‌های شتاب‌زده اصل چهار در ایران در دوران اختلافات ایران و انگلستان کمتر شبیه به برنامه‌های کمک فنی بود و بیشتر شبیه تکیه‌گاهی برای حفظ موقعیت محسوب می‌شد. به دلیل بحران مالی در ایران اداره همکاری فنی اصرار نداشت دولت ایران سهم عادلانه‌ای از مخارج را بر عهده بگیرد و در واقع بیش از نیمی از وجوه به طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای اختصاص داده شده بود.

آمریکا پس از جنگ در همه‌جا با ملیون هماهنگی نموده و منافع امپریالیسم‌های مربوطه را در خطر انداخته و سپس با آن امپریالیسم‌ها سازش نموده و در پیش چشم حسرت‌بار و حسرت‌زده ملت‌ها، ثروت‌های مورد بحث را با رقبای قدیمی خود تقسیم نموده است (بهار، ۱۳۴۴: ۴۰). در مناقشه نفتی ایران و انگلستان، آمریکا فقط نگران به خطر افتادن منافع خود بود. روند وقایع نیز ثابت کرد که هر قدر بیشتر بحران نفت ادامه می‌یابد آمریکا بیشتر به سوی حمایت از انگلستان تغییر جهت می‌دهد. به نظر می‌رسد که مقام‌های آمریکایی قصد داشتند پس از سرنگونی دولت مصدق با اعطای کمک‌های اقتصادی و نظامی، دولتی که جانشین آن می‌شد را تقویت و حمایت نمایند. چنانچه پس از کودتای ۲۸ مرداد به دلیل قدرت یافتن رژیم سیاسی^۱ مطلوب آمریکا، به نحو

۱- شاه در دهه نخست پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ قدرت خود را تثبیت کرد و رهبران کودتا را به مناصب کلیدی گمارد مثلاً: سرلشگر زاهدی نخست‌وزیر، سپهبد بختیار فرماندار نظامی تهران و سرهنگ هدایت رئیس

بی‌سابقه‌ای نیروی انسانی و ماشین‌آلات و پول به ایران سرازیر شد تا همان‌گونه که وزیر امور خارجه آمریکا تصریح کرده بود از "خطر از دست رفتن ایران از طریق انقلاب کمونیستی کاسته شود.

۵- در زمینه بهداشتی نیز سیستم بهداشتی کشور نه‌تنها با نقص برنامه‌ریزی مواجه بود، بلکه دچار کمبود امکانات لازم نیز بود. بنابراین بسیاری از روستاها همچنان از کمبود امکانات بهداشتی و بیماری‌های واگیردار در رنج بودند و عملاً اقدامات در این زمینه بسیار ناچیز و ابتدایی بود؛ به‌طوری‌که تا قبل از تأسیس سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳ شمسی وضع درمان و بهداشت روستاهای کشور بسیار نامطلوب بود» (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۰).

۶- در رابطه با بُعد آموزشی و فرهنگی کسانی که در بخش‌های اداری و فنی اصل چهار به خدمت گرفته می‌شدند می‌باید از ویژگی‌هایی خاص من‌جمله تسلط بر زبان انگلیسی، یا کارایی فنی برخوردار باشند. این موضوع سبب می‌شد گروهی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا و یا مؤسسات داخلی وابسته به آمریکا (مانند کالج البرز و...) جذب ادارات اصل چهار شوند. به‌این‌ترتیب یک گروه نخبه فنی پدید می‌آمد که با توجه به میزان حقوق و دستمزد و بهره‌گیری از تسهیلات اداری و آموزشی (مانند استفاده از بورس‌های کوتاه‌مدت در آمریکا) از دیگران متمایز بودند. تأثیر واقعی این بخش از فعالیت اصل چهار برحسب اعداد یا دلار قابل‌سنجش نبود بلکه تأثیری فرهنگی بود که در افزایش گرایش به الگوهای اداری و اجتماعی آمریکا در کشور تأثیر می‌نهاد.

آموزش در کمک‌های خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم جایگاه ویژه‌ای داشت. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم دست‌اندرکار ساخت یک نظام جدید بین‌المللی

ستاد ارتش شدند. وی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ کمک مالی فوق‌العاده‌ای، به ارزش ۱۴۵ میلیون دلار از ایالات متحده دریافت کرد تا دولت را از ورشکستگی نجات دهد (آبراهامیان، ۵۱۵: ۱۳۷۷).

بود و می‌کوشید در این نظام منافع جهان سرمایه‌داری را حفظ کند. آمریکا تلاش کرد تا در کشورهای جهان سوم نیز ساخت‌های نهادی قابل تطبیق با نظام سرمایه‌داری را ایجاد یا تقویت کند، از این‌رو در همه کشورهای که برای بازسازی اقتصاد خود پس از جنگ به کمک‌های اقتصادی و فنی آمریکا تکیه می‌کردند این فکر القا می‌شد که وصول به رشد و ترقی پایدار، مستلزم اصلاح شیوه کار نظام‌های علمی و اداری است؛ درحالی‌که در این نظام اداری و اجتماعی، کشورهای غربی و آمریکا خود نیز با مشکلات داخلی و نارسایی‌های فراوان روبرو بودند (همراز، ۱۳۸۱:۱۳۵).

۷- در رابطه با مسائل نظامی نیز درحالی‌که کمک‌هایی جهت تقویت قوای نظامی کشور تعلق یافت، «باوجود تجاوز شوروی به خاک آذربایجان و مناطق کردنشین، ایران در مقایسه با جوهی که به تایوان اهدا شد، مبلغ قابل‌توجهی دریافت نکرده بود.» (رینولدز ولف، ۱۳۹۲:۱۲). البته این کمک‌ها پس از کودتای ۲۸ مرداد و به‌منظور استیلا بر منابع نفتی، جهت سرکوب نیروهای مردمی افزایش یافت که این موضوع نیز در راستای منافع آمریکا و انگلستان بود!

۸- در رابطه با دولت ملی، تا آنجا که به دوره مسئولیت دکتر مصدق بازمی‌گردد مسئله اصل چهار ترومن دست‌کم از سه زاویه قابل‌اعتنا است؛ نخست آن‌که این کمک‌ها دو سال پس از تصویب اولین برنامه عمرانی کشور موضوعیت پیدا کرد و بنابراین نوعی موازی کاری با برنامه مصوب را پدید می‌آورد به‌ویژه آن‌که اعتبارات مورد نیاز برنامه اول - که بخش اعظم آن باید از سوی بانک جهانی به تصویب می‌رسید- هرگز محقق نشد اما در چارچوب کمک‌های اصل چهار، به سهولت رقمی معادل کل سهم بانک جهانی، توسط آمریکایی‌ها موردپذیرش قرار گرفت. جنبه دوم به تلاش‌های آمریکا برای بهره‌برداری از این فرصت در نخستین سال‌های آغاز جنگ سرد برای گسترش نفوذ خود در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی ایران مربوط می‌شود.

جنبه سوم نیز به این مسئله بنیادین بازمی‌گردد که آیا کمک‌ها و سرمایه‌های خارجی به‌خودی‌خود می‌توانند منشأ اثرات ماندگار و مثبت در جریان توسعه ملی

باشند یا آن که حتی اگر همه شرایط و تمایلات بیرونی، ناظر بر کمک‌های جدی به کشور کمک گیرنده باشند، کشوری که تمرین کافی در زمینه استفاده ثمربخش و مؤثر از سرمایه‌های مادی و انسانی خود نداشته و در این زمینه با انواع اسراف‌ها و سوء کارکردها روبرو باشد، به‌طریق‌اولی نخواهد توانست از کمک‌ها و وام‌های خارجی به شکلی منطقی و مبتنی بر برنامه استفاده نماید (مؤمنی و نقش تبریزی، ۱۳۹۴: ۵۸).

در اولین ملاقات دکتر مصدق در کسوت نخست‌وزیری با هیات آمریکایی مسئول اصل چهار در ایران، فاو گروهی از وزیران را به ریاست وزیر بهره‌برداری، مسئول پیگیری موافقت‌نامه نمود. اما نکته بسیار قابل‌اعتنا در این میان، که برای داوری صحیح در مورد عملکرد دکتر مصدق نیز می‌تواند یک مؤلفه بسیار جدی باشد، انواع کارشکنی‌های طرف آمریکایی در عمل به وعده‌هایش به دولت ملی است. با گذشت ۶ ماه پس‌از آن جلسه، وجوه حواله شده به ایران به‌عنوان کمک‌های اصل چهار ترومن، فقط و فقط صرف پرداخت حقوق کارکنان اصل چهار می‌شد و در نتیجه وعده‌های داده شده همه توخالی از آب درآمدند. اما جالب آنکه پس از کودتا، وضعیت به‌کلی تغییر کرد و سازمان اصل چهار فراتر از شوق بی‌پایان برای کمک‌های فنی و مالی، بشدت مراقب بود که تأخیری در پرداخت حقوق کارکنان دولت رخ ندهد. در واقع سازمان مزبور اهمتامی جدی در تقویت همه‌جانبه دولت کودتا مصروف می‌داشت (مؤمنی و نقش تبریزی، ۱۳۹۴: ۵۹).

طی دو دهه ۱۹۵۰-۶۰ کمک‌های اصل چهار بازوی نیرومند سیاست خارجی آمریکا بودند و به تحکیم موقعیت و ترسیم چهره‌ای دلسوز و مهربان از این دولت کمک کردند. اما باید توجه داشت که نفع این کمک‌ها یک‌سویه نبود و آمریکاییان خود نیز از واگذاری چنین کمک‌هایی، سود بسیار می‌بردند. این نگاه مثبت مردم کشورهای جهان سوم به آمریکا تضمین‌کننده منافع بلندمدت آمریکا در گوشه و کنار جهان بود. در ایران نیز در دوره دولت ملی با توجه به سابقه غیراستعاری آمریکا در برابر وجهه کاملاً استعماری و منفور انگلستان، مردم ایران تصور می‌کردند که آمریکا در بحث

مجادله جهانی نفت بین ایران و انگلستان حتماً به ایران کمک خواهد کرد، اما روند حوادث نشان داد که آمریکا جای انگلستان را در جهان مستعمراتی گرفته و ایران را به پای منافع درازمدت خود در جهان و مشارکت با انگلستان، قربانی کرده است.

نتیجه‌گیری

کمک‌های مالی آمریکا از طریق اصل چهار، به‌منظور توزیع نیروی خرید در کشورهایی که از جنگ درآمده بودند و در کشورهای کم توسعه و توسعه‌نیافته، هدفی جز دوام جریان کالاهای آمریکایی و تسخیر مالی جهان نداشتند. برای تأمین و تضمین این سلطه باید از رشد صنایع ملی این کشورها جلوگیری می‌شد. در واقع آمریکا به شرطی به وام‌گیرندگان وام می‌داد که آن وام در راه ایجاد صنایع پایه بکار گرفته نشود، بلکه در راه خرید لوازم و ماشین‌آلاتی که برای ایجاد بنادر و فرودگاه‌ها و کشیدن راه‌ها ضرورت داشت، به مصرف برسد و این خود، چیزی جز وابسته کردن اقتصادهای تک‌محصولی به اقتصادهای چند محصولی به‌ویژه اقتصاد آمریکا نبود.

سیاستمداران آمریکایی معتقد بودند که تولیدات صنعتی و کشاورزی‌شان برای برآورده کردن نیازمندی‌های جهان سوم کافی است و دیگر علتی وجود ندارد که این کشورها دست به تولید این کالاها بزنند. در نظر آمریکا جهان آزاد عبارت بود از آن جهانی که برادروار و آزادانه تولیدات آمریکایی را به مصرف برساند و احتیاجات صنایع آمریکا را به برخی از مواد اولیه‌ای که در آمریکا به‌قدر کافی تولید نمی‌شد برآورده سازد. این نظر به‌تدریج به‌صورت یک قانون درآمد و تخلف از این قانون از نظر آمریکایی‌ها به‌عنوان ضدیت با آزادی و به‌ویژه در جهان سوم، هم‌معنا با کمونیسم شناخته شد.

وقتی به شرایط اجتماعی ایران در آن مقطع نگاه می‌کنیم و به نیازهای مبرم آن مانند: سواد، اشتغال، بهداشت و عدم توسعه راه‌ها توجه می‌کنیم و از دگر سو به

طرح‌های آمریکا در زمینه کشاورزی، نظامی و روابط بین‌المللی و مداخله برای عدم پرداخت وام بین‌المللی به ایران نگاه می‌کنیم و هنگامی که به کودتای ۲۸ مرداد توجه داریم و از همه مهم‌تر وقتی به ارزیابی نتایج اصل چهار برای توسعه کشور نگاه می‌کنیم می‌بینیم آنچه که اتفاق افتاده مهاجرت از روستاها، تبدیل جمعیت تولیدکننده به مصرف‌کننده، توسعه صنایع غیرضروری^۱ و میلیتاریسم بوده است. بنابراین آنچه که بدست آمده است نه استقلال بلکه وابستگی بیشتر بوده است. این طرح، کمک فنی چشمگیری به ایران ننموده و در راستای تخصصی شدن و تفکیک ساختاری پیش نرفت و جامعه مدنی و شهروندی را نه تنها تقویت ننمود بلکه به اقتدار و نظامی‌گری را سامانی نو بخشید.

در بُعد نظری هم دستاورد این مقاله شایان توجه است. این مدل بر اساس نظریه نوسازی قابل بررسی نیست چرا که بر اساس آمایش سرزمینی و نیازهای جامعه ایران طراحی نشده است. این مدل از طریق نظریه وابستگی هم قابل بررسی نیست چرا که

۱- اما مهم‌تر از ظواهر سخنان نیکسون که به اندازه کافی برای ملت‌ها و دولت‌های کمک‌گیرنده افشاء شده است، هدف‌های اصلی کاملاً سری و مستوری در اعطای کمک‌های فنی و اقتصادی اصل چهارمی موجود بوده است که باید به آنها اشاره کرد. آمریکا در وضعیتی برای کمک به دولت و مردم ایران بیش‌ازپیش پس از جنگ جهانی دوم ورود کرد، که اگر واقعاً می‌خواست حتی به‌زعم "مکتب نوسازی" ویرایش کاخ سفیدی، ایران را به پیش ببرد، می‌بایستی از جایی که کار و برنامه‌های عمرانی ایران در زمان جنگ جهانی دوم و در دوران پهلوی اول اقدامات توسعه‌ای و صنعتی آن نیمه کار مانده بود یا به‌وسیله خود متفقین تخریب‌شده بود به‌پیش می‌برد. این هواپیماهای متفقین بودند که آخرین و مهم‌ترین محموله‌های مربوط به کارخانه ذوب‌آهن کرج را بمباران کردند. پس واقعاً اگر هدف توسعه صنعتی و فنی ایران بود می‌بایستی ذوب‌آهن ایران و صنایع مادر و صنایع واسطه‌ای و زیرساخت‌های اقتصادی و برنامه‌های نیمه‌کاره مانده از زمان امیرکبیر تا پهلوی اول را به‌پیش می‌بردند و به قول ایرانیان کهن "لادی" به بُن لاد پیشین نهاده می‌شد. نه اینکه انگار ایران یک قبیله بدوی از دوران توحش و در این دوران نیز، در دوره توحش اولیه (قدیم) مورگانی است و جمعه زُمان "رایسنس کروژونه" می‌باشد که این بار آمریکا باید آن را از دیگ نظام آدم‌خواران روسی نجات داده و آن را با مظاهر تمدن اروپایی آشنا کرده و وی را غسل تعمید داده و به دین نه عیسی مسیح (ع) که به مسیحیت دوباره به صلیب کشیده شده، با روایت نظام سوداگری - استعماری! غرب که غایت آن تجارت آزاد از عدالت و انصاف (غارت آزاد) است، دعوت کند! (فرهادی، ۱۳۹۶: ۵۱).

نه تنها در راستای قطع ارتباط با کشورهای غربی عمل نکرده است بلکه از سوی کشورهای غربی و در پوشش کمک به توسعه برای یک کشور جهان سوم طراحی شده است. هرچند نظریه نظام جهانی یک پیوستگی میان مرکز پیرامون را ترسیم می‌کند، اما در این راستا چون خواست دولت ملی توسعه بر اساس نیازهای ملی است و نه هماهنگی با نظام جهانی، این یک مورد خاص تلقی می‌شود؛ موردی که هیچ‌کدام از نظریه‌های یادشده به‌خوبی آن را تبیین نمی‌کنند.

کمک‌های خارجی به‌تنهایی نمی‌توانند تأثیر مثبتی در روند توسعه پایدار کشورها داشته باشند؛ کشوری که تمرین کافی در حوزه استفاده بهینه از منابع انسانی و مادی خود نکرده باشد حتی باوجود کمک‌های مالی خارجی نیز کاری از پیش نخواهد برد، زیرا برای استفاده هدفمند از کمک‌های خارجی باید نظام برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر منافع ملی در کشور حاکم باشد تا بتوان بر اساس این نظام برنامه‌ریزی ملی زهر و هدف‌های پشت پرده کمک‌های خارجی را کم و بی‌اثر کرد، که متأسفانه در دوره مورد بحث هیچ‌یک از ابزارهای لازم در ایران موجود نبود یا اگر موجود بود (دولت ملی) با انواع دسیسه‌ها از سوی استعمارگران و ایادی داخلی‌شان (همسودان) درگیر بود تا نتواند اقدام شایسته و بایسته‌ای در رابطه با منافع ملی و توسعه پایدار انجام دهد. اگر قرار بود که برنامه اصل چهار به توسعه ایران کمکی بکند بهترین زمان کمک، در بحبوحه مجادله نفتی ایران با انگلستان و تحریم گسترده ایران بود که در این زمینه نه تنها کوچک‌ترین اقدامی صورت نگرفت بلکه همان وعده‌های کمک اولیه نیز با تأخیر بسیار انجام می‌شد و همان کمک‌های با تأخیر نیز بیشتر صرف پرداخت حقوق و دستمزد کادر اصل چهار می‌شد.

مطابق با اصل چهار، ظاهراً اقدامات مثبتی در راستای توسعه کشور انجام گرفت، اما ارزیابی دقیق این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از طرح‌ها به دلیل عجولانه

اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران ۱۹۳

بودن و بی‌برنامگی^۱، شکست خوردند و نتیجه چندان مثبتی به بار نیاوردند که البته این شکست خوردگی طرح‌ها از دید ناظران ایرانی است؛ شاید آمریکاییان فقط خود را مأمور به انجام نمایشی می‌دانستند تا بتوانند در پس آن به سایر اهداف خود برسند. یعنی شاید فقط قصد ایشان اجرای طرح‌ها به‌عنوان پیش‌شرط رسیدن به سایر اهدافشان در ایران بوده و اصلاً نگاه خاصی به موفقیت این طرح‌ها منظور نظرشان نبوده است.

۱- برنامه‌های توسعه‌ای را می‌توان از دیگر کشورها اقتباس کرد اما لزوماً روش‌هایی که در کشورهای اولیه بکار گرفته شده‌اند حتماً در کشورهای جدید قابل اجرا نخواهند بود، چنانچه بیگانه بودن بسیاری از روش‌های پیشنهادشده از سوی کارشناسان اصل چهار با فرهنگ ایرانی، واکنش‌هایی را برمی‌انگیزد و حضور آن‌ها در شهرها و روستاها هرگز نتوانست این فاصله و بیگانگی را از میان بردارد.

منابع

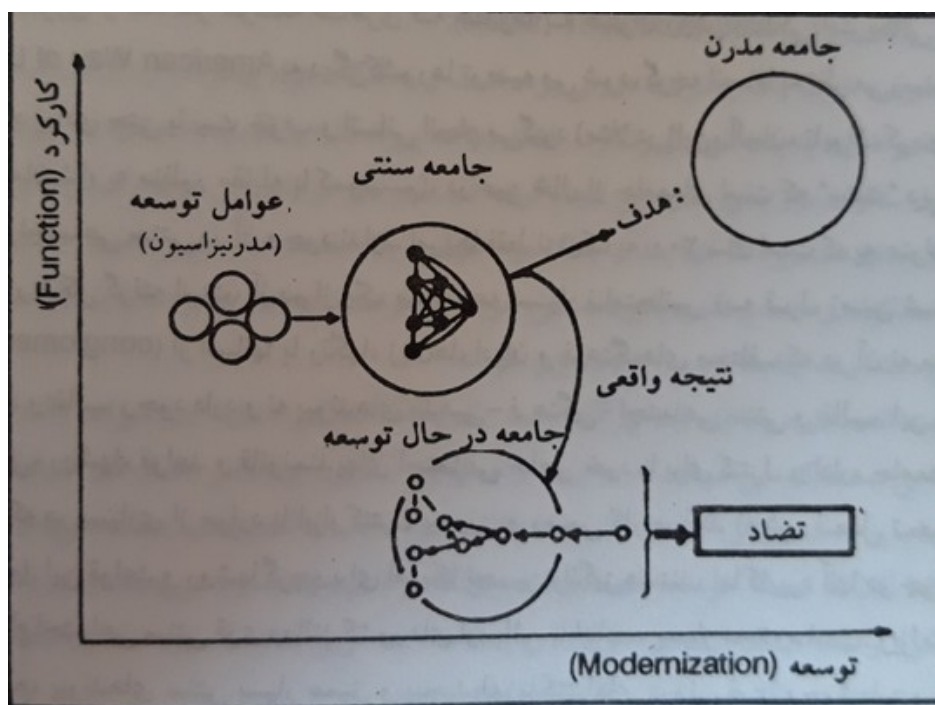
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۴)، *روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۵۷*، تهران: نشر قومس.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۴)، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۵۷*، تهران: انتشارات سمت.
- ازکیا، مصطفی و دربان آراسته، علیرضا. (۱۳۸۲)، *روش‌های کاربردی تحقیق*، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.
- امبروز، استفان. (۱۳۶۲)، *روند سلطه‌گری، تاریخ سیاست خارجی آمریکا*، ترجمه: احمد تابنده، تهران: انتشارات چاپخش.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
- بهار، مهدی. (۱۳۴۴)، *میراث‌خوار استعمار*، تهران: بدون نام ناشر.
- حجاریان سعید. (۱۳۷۵)، *برنامه توسعه و الگوی اتحاد سه‌گانه، اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۰۳-۱۰۴.
- ستاری فر محمد. (۱۳۷۴)، *درآمدی بر سرمایه و توسعه*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سوی الوین. (۱۳۷۸)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه: محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۷)، *صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۰)، «فروپستی ده و کژبالشی شهر ایرانی (کاهندگی فرهنگ تولیدی و افزایش فرهنگ مصرفی در ایران)»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، سال اول، شماره ۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۶)، *آزار "مکل مکل مکینگی" ("دیوچه" چاهی)*، *فصلنامه علوم اجتماعی (ویژه‌نامه آب)*، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۷۷.
- فوران، جان. (۱۳۹۴)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه: احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ پانزدهم.

اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران ۱۹۵

- عبداللهی محمد. (۱۳۸۶)، *نقد نظریه‌های جامعه‌شناسی*، دوره دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- قرشی، یوسف و جمیری، محمد. (۱۳۸۷)، «اصل چهار ترومن در ایران»، *مجله تاریخ معاصر ایران*، شماره ۴۶.
- کندی، پل. (۱۳۷۰)، *ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ*، ترجمه: عبدالرضا غفرانی، انتشارات اطلاعات.
- گن زیر، ایرنه. (۱۳۶۹)، *کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم*، ترجمه: احمد تدین، تهران: نشر سفیر.
- گوندرفرنک، آندره. (۱۳۵۹)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی*، ترجمه: منوچهر مناجیان، تهران: موسسه انتشارات علمی.
- گیلهام، بیل. (۱۳۹۴)، *روش تحقیق مطالعه موردی*، ترجمه: مونا بوذری و همایون پاشا صفوی، تهران: انتشارات سیاه رود.
- ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۵)، *ژاندارم و ژنرال*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری. (۱۳۸۲)، *اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران (۱۳۴۶-۱۳۲۵)*، به کوشش تیمور بشیر گنبدی، ۲ جلد، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۱)، «ایران و امنیت ملی آمریکا (۱۳۵۷-۱۳۲۴)»، *مجله علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۶.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- رینولدز ولف، لیزا. (۱۳۹۲)، *کارکردهای اصل چهار ترومن در ایران*، ترجمه: نینا وهاب، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۳۱۴۰.
- -مشایخی مهرداد. (۱۳۷۷)، *نوسازی سیاسی، راه نو*، شماره ۱۷.
- مؤمنی، فرشاد و نقش تبریزی، بهرام. (۱۳۹۴)، *اقتصاد ملی در دوره دولت ملی*، تهران: انتشارات نهادگرا.
- مهام، محمود. (۱۳۹۲)، *اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران (معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن»)*، پژوهش‌های روستایی، دوره نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳).
- ویلیس، کتی. (۱۳۹۳) *نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه*، ترجمه: حسین ایمانی جاجرمی و پیمان پور رجب، تهران: نشر پژوهاک.
- همراز، ویدا. (۱۳۸۱)، *بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن: هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

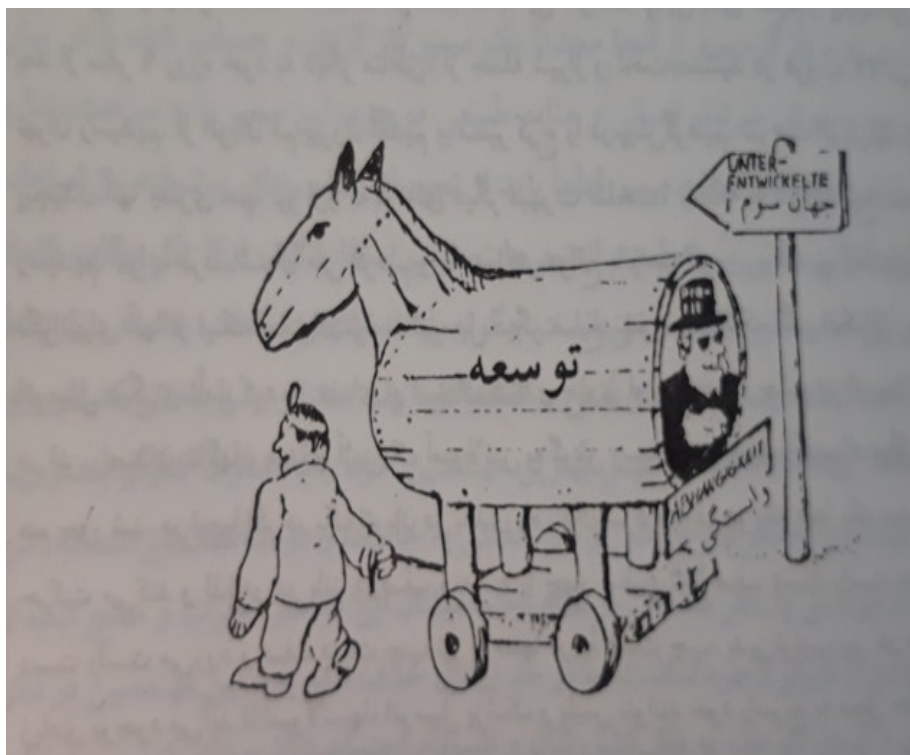
پیوست:

کوشش در جهت رشد و توسعه کشورهای جهان سوم با الگوی غربی و عناصر بیرونی، چنانکه در تصویر زیر نشان داده شده است، نه فقط این کشورها را هرگز به این هدف نخواهد رساند؛ بلکه نظام اجتماعی آنها را از هم خواهد پاشانید و کارکرد سنتی آنها را نیز کاهش می‌دهد (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۵۴۶).



شکل ۱- توسعه، کارکرد و تضاد در جهان سوم

در تصویر دیده می‌شود که ابتدا به کشورهای جهان سوم هدف‌های ایده آل کشورهای غربی القا می‌شود، اما با حرکت به سوی این هدف سراب مانند، نظام اجتماعی منسجم آنها از هم پاشیده و کارکرد اجتماعی آن نیز کاهش می‌یابد.



شکل ۲- اسب ترویای توسعه

باید توجه داشت که توسعه اسب ترویای است، دامی که نه فقط به نابودی جهان سوم می‌انجامد، بلکه عواقب آن تأثیرات مخربی نیز برای جهان غرب دارد. این مسئله را انسان‌های مسئول در خارج نیز درک کرده‌اند که تصویر بالا گویای آن است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۵۴۷).